

أولاً: تشريع الخمس في ما زاد على مؤونة السنة

محور أول:

تشريع خمس در آنچه از خرجی سال اضافه آمده است.

قد يسأل أحد ويقول: هل أن الخمس في (الفائض من مؤونة السنة) كان موجوداً في زمن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)؟

شاید کسی بپرسد: آیا خمس در آنچه از خرجی سال اضافه می آید در زمان رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) وجود داشته است؟

الجواب: كتشريع إلهي نعم موجود، أما كتطبيق وإجراء على المسلمين فغير موجود؛ وذلك لعدم تحمّل الناس لهذا الحكم، فخفف عنهم رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) والأئمة (عليهم السلام)، فالخمس للإمام ع له أن يضعه عن الناس ويرفعه عنهم، وإليك النص التالي وهو يوضح ذلك:

پاسخ: به عنوان تشريع الهی، آری وجود داشت. اما در مقام تطبيق و اجرا بر مسلمانان وجود نداشت و این به دليل عدم تحمل این حکم توسط مردم بود. پس رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) و ائمه (عليهم السلام) برای آنان تخفیف قایل شدند، زیرا خمس از آن امام ع است و او می تواند آنرا از عهده مردم ساقط کند. به روایت زیر توجه کنید که این مطلب را توضیح می دهد:

روی محمد بن الحسن الصفار عن أحمد بن محمد وعبد الله بن محمد عن علي بن مهزيار قال: كتب إليه أبو جعفر ع وقرأت أنا كتابه إليه في طريق مكة، قال: (.. إن موالِيَّ أسأل الله صلاحهم أو بعضهم قصروا فيما يجب عليهم، فعلمت ذلك وأحببت أن أظهرهم وأزكيهم بما فعلت في عامي هذا من الخمس، قال الله تعالى: (خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ..)(1) .. ولم أوجب ذلك عليهم في كل عام، ولا أوجب عليهم إلا الزكاة التي فرضها الله عليهم، وإنما أوجب عليهم الخمس في سنتي هذه في الذهب والفضة التي قد حال عليها الحول، ولم أوجب عليهم ذلك في متاع ولا آنية ولا دواب ولا خدم ولا ربح ربحه في تجارة ولا ضيعة .. تخفيفاً مني عن موالِيَّ ومنّاً مني عليهم لما يغتال السلطان من أموالهم ولما ينوبهم في ذاتهم، فأما الغنائم والفوائد فهي واجبة عليهم في كل عام،

قال الله تعالى: (وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ أَمْنْتُمْ بِاللَّهِ ..) (2)، والغنائم والفوائد يرحمك الله فهي الغنيمة يغنمها المرء، والفائدة يفيدها، والجائزة من الإنسان التي لها خطر، والميراث الذي لا يحتسب من غير أب ولا ابن ومثل عدو يصطلم فيؤخذ ماله، ومثل المال يؤخذ ولا يعرف له صاحب..) (3).

محمد بن حسن صفار از احمد بن محمد و عبدالله بن محمد از علي بن مهزيار نقل کرده است: به ابوجعفر (امام جواد محمد تقی ع) نامه‌ای نوشته شد و من نامه ایشان ع به او (سؤال کننده) را در راه مکه خواندم که فرموده بود:

(... همانا دوستان (شیعیان) من - که از خداوند صلاح آنها را خواهانم - یا برخی از آنها در پرداخت آنچه بر آنها واجب شده است کوتاهی کرده‌اند و من از آن اطلاع پیدا کرده‌ام. پس بر آن شدم آنها را با کاری که در خصوص خمس در این سال اجرا کردم پاک و تزکیه نمایم، که حق تعالی می‌فرماید: ((از اموال آنها صدقه‌ای بستان تا آنها را با آن پاک و منزّه سازی، و برای آنها دعا کن

زیرا دعای تو مایه آرامشی برای آنها است، و خداوند شنوا و دانا است))؛^(۴) ... و من آن (خمس) را در هر سال بر آنان واجب نکردم و بر آنان واجب نمی‌کنم مگر زکاتی را که خداوند بر آنان واجب کرده است، و تنها در این سال خمس را بر آنان در طلا و نقره‌ای که یک سال بر آن گذشته باشد واجب می‌گردانم و آن (خمس) را بر کالاهای، ظرف‌ها، چهارپایان، خدمت‌گزاران و سودی که از تجارت به دست آورده‌اند و بر خانه و زمین واجب نکردم... اینها تخفیفی است از سوی من بر دوستانم و منتی است از من بر آنها؛ زیرا سلطان اموالشان را از آنها به زور می‌گیرد و همچنین به جهت مصایبی که بر آنها وارد میشود. اما در مورد غنایم و فواید، (خمس آن) در هر سال بر آنان واجب است. خداوند متعال می‌فرماید: ((و بدانید هرگاه چیزی به غنیمت گرفتید خمس آن از آن خدا و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و در راه‌ماندگان است، اگر به خدا ایمان آورده‌اید...))^(۵) و غنایم و فواید - خدا تو را بیامرزد - بهره‌ای است که انسان به چنگ می‌آورد و سودی است که به او می‌رسد و جایزه‌ای است که برای انسان ارزشمند است و میراثی است بدون اینکه از ناحیه پدر یا فرزند باشد و از راهی که گمان نمی‌کرده به او رسیده است، و مانند دشمنی که ریشه کن شود و مالش گرفته شود، و مانند مالی که به دست می‌آید و صاحبش مشخص نباشد...)).^(۶)

2- الأنفال : 41.

3- الاستبصار - الشيخ الطوسي : ج 2 ص 60 ص 12.

4- توبه: ۱۰۳.

5- انفال: ۴۱.

6- استبصار-شيخ طوسي: ج ۲/ ص ۶۰ ح ۱۲.